

درخت در فرهنگ عامه اقوام ایرانی

* مرجانہ نادری گرزالدینی

چکیده

اعتقاد به رازوارگی و تقدس درخت نزد پیشینیان و نیز پیوند دیرین و ناگسستنی آن با اسطوره‌های ایرانی تأثیر شگرفی در فرهنگ عامیانه مردم داشته و به صورت گسترده در اعتقادات و باورها، آداب و رسوم، آیین‌ها و ادبیات شفاهی متجلی شده‌است. هدف پژوهش حاضر، چگونگی بازنمایی درخت در فرهنگ عامه اقوام ایرانی بوده که به روش توصیفی-تحلیلی و از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد، باورها و آیین‌های پیرامون درخت در فرهنگ عامیانه اقوام ایرانی عبارتند از: باور به کمک در بهبود و ازدیاد محصول، باروری زنان نازا، تسهیل در زایمان، دفع چشم زخم و خواص درمانی، تهدید نمایشی درخت و گرفتن تضمین ثمردهی از آن، آیین باران خواهی و قطع باران، نخل گردانی، پل برون، چاله گرم کنان و قربانی نخل. به نظر می‌رسد، ویژگی‌های ذاتی درخت و ارتباط آن با مفاهیمی چون آفرینش، تجدید حیات، باروری و رستاخیز نقش مؤثری در حضور فراگیر آن در فرهنگ عامه داشته، به طوری که در بسیاری از باورهای مردمی، درخت در جنبه‌های مختلفی از زندگی آنان از تولد تا مرگ ظهور و بروز یافته است.

کلید واژه‌ها: اسطوره، اقوام ایرانی، درخت، فرهنگ عامه، مراسم آیینی.

مقدمه

فرهنگ مجموعه‌ای از وجوه اعتقادی و رفتارهای اکتسابی رایج در هر جامعه است. درون این مجموعه بزرگ مجموعه دیگری به نام فرهنگ عامه وجود دارد که به عنوان یکی از اجزاء سازنده فرهنگ ملی، گنجینه‌ای از جلوه‌های حیات معنوی و زندگی اجتماعی مردم به‌شمار می‌آید.

فرهنگ عامه به رغم سادگی و بی‌پیرایگی، میراث گرانقدری است که در درازنای تاریخ شکل گرفته و حاصل ذهنیت و نگرش پیشینیان نسبت به موضوعات باورمند، اخلاقی، عرفی و نیز نوع ارتباط آن‌ها پیرامون طبیعت و محیط زندگی‌شان است؛ از این رو جنبه‌های مهمی از درک مادی و معنوی عامه مردم مانند تعاملات اجتماعی و روابط روزانه تا عمیق‌ترین باورداشته‌های اعتقادی آنان از طریق فرهنگ عامه بروز می‌یابد. در واقع، فرهنگ عامه بازتابی از بن‌مایه‌های عقیدتی هر قوم و ملتی است که در قالب مراسم و آیین‌ها، آداب و رسوم، عقاید و عادات متجلی می‌شود.

خاستگاه بسیاری از باورهای عامیانه به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد. برخی از این باورها بازمانده اسطوره‌ها و برخی دیگر بازتاب نگرش‌های تجربی و درونی آدمی به پدیده‌هایی است که به صورت ناخودآگاه در اندیشه و ذهنیت وی تأثیر گذارده‌اند. آدمی در دوران کهن، طبیعت را منبع رازآمیزی از قدرت‌های ویژه دانسته و برای آن روح و روان قائل بوده‌است؛ به همین سبب، جهت‌رهایی از خطرات و رفع مشکلات خود به نیروی ماورایی که برای عناصر طبیعت متصور می‌شده است، توسل می‌کرد. از میان پدیده‌های هستی، درخت در نظام فکری بشر نقشی محوری داشته و به صورت گسترده در اساطیر ملل و ادیان مختلف حضور یافته است. با تأمل در روایات و اساطیر ایرانی می‌توان به اهمیت و ارزش فرهنگی درخت نزد اقوام ایرانی پی برد. درختان از جنبه‌های فراوانی چون سودمندی در تغذیه و درمان، دیرسالی و مقاومت مورد توجه انسان بوده، سبب به‌وجود آمدن برخی از باورها مانند جاودانگی، باروری، تجدید حیات و تقدس شده‌اند که به فرهنگ عامیانه بسیاری از اقوام ایرانی نیز راه یافته‌اند.

مقاله حاضر به واکاوی جایگاه و اهمیت درخت در فرهنگ عامیانه اقوام ایرانی می‌پردازد و در پی پاسخگویی به این سئوالات است: ۱- چه ویژگی‌هایی از درختان در فرهنگ عامیانه اقوام ایرانی انعکاس یافته‌است؟ ۲- باورداشتهای مرتبط با درخت در میان اقوام ایرانی از چه کارکرد فرهنگی و اجتماعی برخوردار است؟ از آن‌جا که تقدیس و تکریم درختان در فرهنگ ایرانی و باورها و آیین‌های مرتبط با آن در طول تاریخ استمرار داشته؛ لذا بازخوانی این باورداشتهای به منظور حفظ میراث معنوی و پاسداشت خاطره قومی از ضرورت‌های انجام این پژوهش است.

پیشینه پژوهش

مقوله فرهنگ عامه از مباحثی است که پژوهشگران با رویکردهای مختلف به آن پرداخته‌اند که به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود. تسلیم جهرمی (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل جایگاه درخت کُنار در فرهنگ، ادبیات و باورهای عامیانه فارس» ضمن بیان ویژگی‌های طبیعی و نمادین درخت کُنار به نقش آن در آداب و رسوم مردم جهرم می‌پردازد. قاسم‌پور مقدم و سعیدی (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب» معتقد است، وابستگی زندگی و اقتصاد مردم میناب به درخت نخل موجب کاربرد فراوان آن در ضرب المثل‌ها، چیستان‌ها و اشعار و به طور کلی ادبیات شفاهی این منطقه شده‌است. قربانی جویباری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «قربانی نخل آیینی بازمانده از آیین‌های دوموزی» با بررسی‌های تاریخی، اسطوره‌شناختی و نمادشناختی به این نتیجه می‌رسد که آیین قربانی نخل ریشه در آیین‌های باروری اساطیر تغییر فصل به ویژه دوموزی دارد. ذبیح‌نیا عمران و احمدی گوهری (۱۳۹۷) در مقاله «سیر تطّور مراسم باران‌خواهی در منطقه دشت خاک زرند» بیان می‌دارد، وجود نمادهای اساطیری در این مراسم حاکی از غنای فرهنگی آن است. ذبیحی (۱۳۹۶) در مقاله «باورها و آیین‌های عامیانه نباتی در نزهت‌نامه علایی» به زمینه‌های نمود فرهنگ عامه در این اثر می‌پردازد. انصاری (۱۳۹۳) در کتاب «فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران» به آداب و رسوم،

باورها و موسیقی بومی مازندران می‌پردازد. باجلان فرخی (۱۳۹۲) در کتاب «اسطوره و آیین» به برخی از باورها و آیین‌های عامیانه در فرهنگ اقوام ایرانی پرداخته‌است.

تعریف فرهنگ

فرهنگ دارای مفاهیم گسترده‌ای است که حوزه‌های مختلفی چون، جامعه‌شناسی، روانشناسی، تاریخ، هنر، ادبیات و... را در برمی‌گیرد و شامل مجموعه نظام‌های ارزشی، هنجارها، عقاید، متون، هنرها، آداب و رسوم، سنن رایج و به طور کلی پدیده‌های رفتاری و اکتسابی در هر جامعه است که در توالی زمان شکل گرفته و به آن جامعه هویت می‌بخشد. در واقع، فرهنگ را می‌توان میراث اجتماعی یا پیوندهای قومی در یک جامعه دانست که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و بر رفتار و کنش‌های افراد جامعه تأثیر می‌گذارد. از دید رابرت رد فیلر^۱ «فرهنگ تفاهمی قراردادی است که در رفتار و دست‌سازهای انسان تجلی می‌کند و جوامع مختلف را از هم متمایز می‌نماید» (باجلان فرخی، ۱۲۹۲: ۸).

آشوری در تعریف فرهنگ اینگونه می‌گوید: «فرهنگ یا تمدن مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، عادات، اعتقادات، هنر و اخلاقیات، قوانین و هرگونه توانایی دیگر است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده‌است» (آشوری، ۱۳۸۰: ۱۷). به بیانی دیگر، فرهنگ عبارت است از «مجموعه میراث‌های معنوی یک قوم اعم از آنچه محصول عقل و ادراک یا زاده ذوق و عاطفه ایشان باشد» (محجوب، ۱۳۸۷: ۳۶). به‌طورکلی فرهنگ همه فعالیت‌هایی است که از طریق آموزش و در هم‌نوایی با هنجارهای حاکم در جامعه برای حفظ بقاء، ادامه نسل و نظم امور اجتماعی انگاره‌بندی شده‌است (بلوکباشی، ۱۳۵۸: ۴). بنابر این می‌توان گفت، فرهنگ یادگاری از پیشینیان است که در تاریخ ریشه دارد و آینده ملت‌ها با نفوذ و تأثیر آن شکل می‌گیرد؛ از این‌رو، پشتوانه‌ای بزرگ برای ملت‌ها به‌شمار می‌آید.

^۱ - Robert Redfield

فرهنگ عامه

فرهنگ عامه یا فولکلور یکی از اجزاء سازنده فرهنگ است و شامل ابعاد مختلف زندگی اجتماعی عامه مردم از قبیل اعمال و رفتار، عادات و باورهای سنتی می‌شود. درواقع، فرهنگ عامه دارای قلمرو گسترده‌ای است و در بطن زندگی مردم جریان دارد؛ بنابراین، سبک زندگی، باورها و اعتقادات توده‌های مردم هر کشوری را منعکس می‌کند. «فرهنگ عامه در شکل ناب خود فرهنگی است که نمودهای رفتاری آن کاملاً اختصاصی، مبتنی بر خویشاوندی، غیررسمی، سنتی و گاه تقدسی است. این جنبه از فرهنگ در هاله‌ایی از آداب و رسوم اخلاقی مورد تقدیس قرار می‌گیرد و در محدوده محلی و از طریق سینه به سینه یا ادبیات شفاهی به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد» (باجلان فرخی، ۱۳۹۲: ۱۶).

صادق هدایت در این باره چنین می‌گوید: «فولکلور به مطالعه زندگی توده عوام در کشورهای متمدن می‌پردازد. به این معنی که مواد فولکلور در نزد مللی یافت می‌شود که دارای دو پرورش باشند: یکی مربوط به طبقه تحصیل کرده و دیگری طبقه عوام» (هدایت، ۱۳۸۴: ۴۰۷).

در معنای واژه فولکلور چنین آمده‌است: «کلمه فولکلور، مرکب است از دو جزء "فولک" Folk و "لر" Lore که جزء اول را در فارسی به مردم و توده و بخش دوم را به دانش و معرفت ترجمه کرده‌اند.

اصطلاح فولکلور را نخستین بار ویلیام تامس^۱ در سال ۱۸۴۶ میلادی معرفی کرد و به عنوان جامع‌ترین واژه‌ای که به مطالعه زندگی علوم در کشورهای متمدن می‌پردازد پذیرفته شده‌است. به‌طورکلی "فولک" به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که عامل مشترک و عمومی نظیر زبان، دین، شغل و... آن‌ها را به یکدیگر پیوند داده و سنت‌های ویژه و متعلق به خود داشته باشند. فولکلور پدیده‌ای مستقل و منفک از فرهنگ و

^۱ -William Thoms

جامعه نیست؛ لذا ماهیت آن به زمینه فرهنگی و اجتماعی آن وابسته است. در فرهنگ عامه مردم حاملان سنت‌اند و سنت‌های فولکلوری را در بستر زمان و مکان حمل می‌کنند. نسل‌ها از پی هم می‌آیند و می‌روند؛ اما سنت‌های مشترک تداوم و استمرار خود را حفظ می‌کنند (بلوکباشی، ۱۳۵۸: ۱۲-۱۶). بر این اساس، در فرهنگ عامه سنت یکی از بنیان‌های مهمی است که در سه گروه، سنت‌های مادی، رفتاری و گفتاری طبقه‌بندی می‌شود. «سنت‌های مادی: به مجموعه آثار، ابزار، اشیاء، بناها و کالاهایی گفته می‌شود که از گذشته بر جا مانده است. سنت‌های رفتاری: مجموعه رفتارهایی که در جامعه میان افراد زیادی مشترک است و نوعی فشار اجتماعی برای عمل به آن‌ها وجود دارد و جنبه غیر شخصی و الگویی دارند. رسوم رفتاری در سه گروه: رسوم اخلاقی، شیوه‌های قومی و عرف و عادات جای دارند. همچنین از نظر عینی و سنت‌های قابل مشاهده فرهنگ عامه می‌توانیم سنت‌های رفتاری را به این صورت طبقه‌بندی کنیم ۱- شعائر و تشریفات مذهبی ۲- رسوم ۳- جشن‌ها و اعیاد ۴- آیین‌ها ۵- بازی‌های عامیانه ۶- عرف و عادات اجتماعی ۷- موسیقی. سنت‌های گفتاری: مجموعه سنت‌هایی که در قالب کلمات و جملات اظهار می‌شوند. این سنت‌ها ریشه در اعتقادات، باورها، دانش‌ها، فلسفه‌ها، ارزش‌ها و نیازهای جامعه دارند» (فاضلی، ۱۳۸۰: ۸۳). به بیانی دیگر، فولکلور دربردارنده ادبیات نانوشته یا روایات سنتی همچون افسانه‌های عامیانه، ترانه‌ها، چیستان‌ها، باورها، اساطیر، امثال و حکم و... است (باجلان فرخی، ۱۳۹۲: ۱۷). بنابراین می‌توان گفت، فرهنگ عامه مجموعه‌ای از باورداشت‌های هر قومی است که دارای عمیق‌ترین بن‌مایه‌های عقیدتی بوده و حاصل نوع نگرش و ارتباط آنان نسبت به پدیده‌های هستی است.

کهن‌الگوی درخت

درخت از دیرباز در باورداشت‌های جوامع مختلف از ارزش و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده، به عنوان مظهری از جاودانگی، باروری و قدرت، جایگاه مهمی در فرهنگ و

اعتقادات مردمی پیدا کرده است. از دورترین ایام، دور کیهانی و فواصل معینی از فصول که سبب رویش و رشد و باروری و سپس مرگ گیاهان می شود؛ موجب گردید تا برای گیاهان به ویژه درخت، نمادی کیهانی قائل شوند. در تمامی تمدن های کهن مفاهیم نمادین گیاهان چنان در باورها و اندیشه های اعتقادی مردم نفوذ داشت که برای آنها وجهی قدسی قائل شدند؛ از این رو «در سنن و روایات مذهبی مردم سراسر جهان و در بینش های مابعدالطبیعی و عرفانی کهن و نیز شمایل نگاری ها و هنر عوام، درختان مقدس در آیین ها و رمزهای نباتی مشاهده می شوند» (الیاده، ۱۳۸۹: ۲۵۹). استمرار رشد نباتات نشانه تجدد حیات ادواری و یادآور اسطوره بازگشت به اصلی واحد است (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۲۱). ارزش و سپندی درخت نزد پیشینیان به حدی بوده که در افسانه ها و اساطیر ملل مختلف مینوی و آسمانی بودن درخت به شیوه ای نمادگرایانه نمود یافته است (پورخالقی چترودی، ۱۳۸۰: ۹۲). در اساطیر آفرینش جهان، بعد از حمله اهریمن و به هم خوردن آرامش جهان، به فرمان اورمزد باران چنان بارید که دریایی بزرگ پدید آمد. در این دریا دو درخت وجود داشت؛ درخت همه تخمه که منشأ همه درختان است و درخت هوم سفید که اکسیر جاودانگی از اوست (دادور، پویان، ۱۳۸۶: ۱۱۶). در واقع در بن مایه همه روایت های آفرینش نوعی گیاه تباری وجود دارد که بیانگر رابطه نمادین میان انسان و گیاه و در نتیجه تقدس آن نزد اقوام مختلف است.

درخت مظهر حیات، آفرینش، استواری، رستاخیز، فناپذیری و نیز نمادی از کثرت در وحدت است؛ بدین معنی که بسیاری از شاخه ها از یک ریشه می رویند و در نهایت به شکل میوه در روی شاخه ها به وحدت می رسند (کوپر، ۱۴۰۰: ۱۵۲). به نظر می رسد، درخت و میوه های آن به موازات منزلت و اهمیت مادی شان در باورها و اعتقادات انسان حرمت و قداست یافته است. از نظر ریخت شناسی درخت همانند انسان قائم می ایستد و رشد و مرگش نیز مشابه انسان است؛ به همین سبب نیای اسطوره ای انسان محسوب می شود. از دیگر جنبه های یکسان پنداری درخت با انسان می توان به آداب و

رسوم عقد عروس و درخت پیش از ازدواج با همسرش به منظور تقویت نیروی باروری وی اشاره کرد که در برخی از ملل رواج داشت. نظیر چنین رسمی در ازدواج نمادین دو درخت با این نیت که انرژی حیاتی آن‌ها به یک زوج انسانی منتقل می‌گردد وجود داشت (کوک، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۳).

در اندیشه پیشینیان، درختان جایگاه ارواحی بودند که جسم آن‌ها پیکر درختان را به وجود می‌آورد حتی آن را جایگاه خداوند پنداشته، مقدس و محترم می‌شمردند (بروس، ۱۳۶۷: ۶). «طبق یک روایت برخی خدایان در درون درختی آفریده می‌شدند که از آن بیرون می‌آمدند؛ درست مانند پروانه‌ای که از شفیره خود بیرون می‌آید» (هال، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

در جهان باستان درخت نه تنها به خاطر خودش، بلکه به جهت کارکردهای نیروی مقدس یا نیروی ذات کل دیگری ستوده می‌شد. این نیروی مقدس خود را در مرکز کیهان آشکار می‌کرد و تشعشاتش کل کائنات را در بر می‌گرفت. درخت مقدس در مقام تجسم زنده و پویای مرکز کیهان و کل کائنات تبدیل به درخت کیهان شد (کوک، ۱۳۸۷: ۸۲).

تصویر درخت کیهانی در بسیاری از اسطوره‌ها، آیین‌ها و نمادهای تمدن‌های مختلف بازتاب یافته، نمادی از وحدت و کثرت کیهان و نیز عروج و شکوفایی است. افزون بر اساطیر، در کتب آسمانی نیز اشارات فراوانی به درخت شده‌است از جمله در زبور داود (ع)، انجیل عیسی (ع)، تورات موسی (ع) و در قرآن کریم که خداوند در آن از درختانی چون خرما، زیتون، انجیر، انگور و انار نام برده، همچنین بسیاری از مفاهیم عمیق توحیدی را با استفاده از صورت تمثیلی درختان بیان کرده‌است. نظیر شجره طیبه، شجره خبیثه، شجره ممنوعه، سدره المنتهی و طوبی؛ بنابر این می‌توان به این نتیجه رسید که کهن‌الگوی درخت از دیرزمان در اعتقادات و باورهای اساطیری و ادیان الهی همواره مورد توجه و احترام بوده و به عنوان منشأ خیر و برکت، دانش، سعادت و حیات دانسته شده‌است. در اندیشه دینی «درخت نه تنها از آن جهت به

زندگی انسان وابسته است که آدم در بهشت از درخت معرفت (میوه ممنوع) تناول کرد و به زندگی بینا شد، بلکه وقتی به زمین هم هبوط کرد، به ویژه در مناطق کویری و خشک آن را مایه حیات و زندگی یافت و به قداست و اهمیت آن اعتقاد پیدا کرد. بی‌جهت نیست که تبار و دودمان انسانه را با درخت (شجره تسب) مشخص می‌کنند و در معابد هم قداست و حرمت یافته» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۵۲).

به‌طورکلی دلایل مختلفی را برای تقدس رستنی‌ها می‌توان برشمرد:

- ۱- اعتقاد به دگردیسی انسان پس از مرگ ناجوانمردانه و تبدیل آن به گیاه، مانند رویدن گیاه از خون به ناحق ریخته سیاوش؛
- ۲- اعتقاد به باروری انسان از درخت، میوه و بذر؛
- ۳- سودمندی گیاه در تغذیه و درمان و گاه شهرت برخی از گیاهان افسانه‌ای به میوه بیماری؛
- ۴- ارتباط گیاه با یک رویداد ازلی، بعضی از گیاهان به سبب حضور در کنار فردی مقدس و یا در اماکن مذهبی تقدس یافته‌اند (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۲۱۷-۲۱۸).

درختان اساطیری و مقدس در فرهنگ ایران

نقش رستنی‌ها به ویژه درختان در حیات آدمی چنان پراهمیت بوده که باعث شکل‌گیری اسطوره‌ها، افسانه‌ها و باورهای آیینی متعددی پیرامون آن شده‌است. در بینش اساطیری، هستی درخت با هستی انسان پیوند دیرینه و پایداری یافته و بر همه جوانب زندگی آدمی سایه افکننده است (خادمی کولایی، ۱۳۸۷: ۲۳۲-۲۳۳).

طبق اساطیر ایران، کیهان در شش مرحله آفریده شده‌است که عبارتند از: ۱- آسمان ۲- آب ۳- زمین ۴- گیاه ۵- جانور ۶- انسان (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۹۳). بنابر باورهای ایرانی آفرینش گیاهان مانند دیگر آفریده‌های ایزدی به منظور نابودی نیروهای اهریمنی و زیان‌آور در نبرد کیهانی صورت گرفته‌است و چهارمین نبرد با اهریمن توسط گیاه انجام می‌گیرد؛ از این‌روست که گیاهان در اندیشه اعتقادی ایرانیان از احترام و منزلت

والایی برخوردار هستند. ارزش و اهمیت گیاهان در روایت اساطیری ایران تا بدان حد بوده که با اسطوره آفرینش انسان پیوند خورده‌است. براساس روایات زرتشتیان کیومرث نخستین انسانی است که توسط اهریمن کشته شد؛ اما از نطفه او گیاه ریواسی روید که به نخستین زوج بشری به نام‌های مشی و مشیانه تبدیل شد (کرتیس، ۱۳۷۳: ۲۰).

در آیین مانوی نیز داستان آفرینش عالم بر اساس دو درخت نور و ظلمت یا درخت حیات و درخت مرگ شکل می‌گیرد که منشأ اصلی حیات محسوب می‌شوند (صمدی، ۱۳۶۷: ۱۳۰). در روایات زرتشتی گیاه هوم را پسر اورمزد به شمار آورده و او را موبدی آسمانی دانسته‌اند. فشردن آیینی این گیاه نوعی قربانی خونین تلقی می‌شود که با پدیده‌های آسمانی نظیر تابش خورشید و بارش باران ارتباط دارد. (آموزگار، ۱۳۹۸: ۳۶).

بنابراسطوره‌های ایران باستان امشاسپندان برای انتقال فروهر زرتشت از عالم مینوی به این جهان ساقه‌ای از گیاه مقدس هوم را به وجود آوردند و فروهر زرتشت را در آن قرار دادند (آموزگار، ۱۳۹۸: ۸۸). از درختان مقدس دیگر در فرهنگ و اندیشه کهن ایرانیان درخت سرو است که مطابق روایات ایرانی زرتشت دو شاخه آن را از بهشت آورد و یکی را در قریه کاشمر و دیگری را در فریومد کاشت (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۶۵-۴۶۶). در اسطوره‌ای دیگر مرتبط با آیین مهر نقل است که وقتی میترا گاو نر را قربانی کرد از خون گاو تاکی روید که باعث باروری زمین شد (رضی، ۱۳۷۱: ۵۴).

در ایران باستان روایت‌هایی از تقدس درختان بیان شده است. برای نمونه به حکایت رویدن تاک از شکم مادر کوروش در خواب آستیگ-پدربزرگ کوروش - می‌توان اشاره کرد (هرودوت، ۱۳۶۲: ۸۴).

به طور کلی در تجربه کهن ایرانیان درختان خاستگاهی ایزدی دارند و سرشار از درون‌مایه‌های غنی و نمادین هستند. بازتاب درختان در اسطوره‌ها و روایات ایرانی ارزش‌های فرهنگی آن‌ها را بیان می‌کند. در این اساطیر، درخت گاه نمادی از نیروهای

فراطبیعی بوده و گاه به عنوان نمادی از باروری، جاودانگی، شکوه و اقتدار تقدیس شده است.

گیاهان و درختان در باورهای عامیانه اقوام ایرانی

باورهای عامیانه به مثابه یک پدیده اجتماعی از مؤلفه‌های فرهنگ عامه محسوب می‌شوند که معلول زندگی آدمی و عکس‌العمل‌های وی در برابر نیروهای رازآمیز و قدرت‌های ناشناخته طبیعت هستند؛ از این رو عناصر طبیعت به ویژه درختان همواره نقش اساسی در طرح‌واره‌های ذهنی مردم داشته‌اند. اعتقاد به تقدس درخت در باورهای مردمی، بسیاری از بن‌مایه‌های اساطیری گیاهی مربوط به دوران کهن را همچنان حفظ کرده‌اند.

باورهای متعددی در باره درختان در بین اقوام ایرانی رایج بوده است. در هر منطقه بنابر شرایط طبیعی، درختی خاص مورد تکریم و تقدیس قرار گرفته که بخش عمده‌ای از این باورها در فرهنگ عامیانه مردم به صورت مراسم و آیین‌های مختلف نمود یافته است. مصداق این باور را می‌توان در مورد جایگاه درخت نخل در نواحی نخل خیز ایران مشاهده کرد. یکی از سنت‌های دیرین در نواحی جنوب و جنوب غربی ایران در استان‌هایی مانند کرمان، یزد و خراسان جنوبی قربانی کردن درخت نخل است که در برخی از مراسم خاص نظیر عید نوروز، سیزده بدر، جشن عروسی، بازگشت از زیارت خانه خدا و نیز دفع چشم زخم و دور کردن شیاطین صورت می‌گیرد (قربانی جویباری، ۱۳۹۸: ۱۸۳)، (تصویر ۱ و ۲).



تصاویر ۱ و ۲. آیین قربانی نخل، منبع: <https://www.tabnak.ir>

به باور مردم خور و بیابانک نخل از تولد تا مرگ با انسان همراه است. مطابق سنت اهالی این منطقه گهواره نوزاد را از شاخ و برگ درخت نخل می‌سازند و در کفن فرد متوفی دو چوب نخل می‌گذارند که بر روی آن‌ها آیه الکرسی نگاشته شده است (میراسکندری و طاهری، ۱۳۸۸: ۵۸). در بین مردم میناب نخل موسوم به "مغ" به معنی پیشواست. آنان این درخت را تنها میراث پس از خود و شجره وفادار می‌دانند. در باور این مردمان، نخل همچون یکی از فرزندان خانواده به‌شمار می‌آید و برای آن مرگ و میر در نظر می‌گیرند (قاسم‌پورمقدم و سعیدی، ۱۳۹۸: ۱۰۵). به دلیل قداست و ارزش و اعتبار درخت نخل نزد مردمان نواحی نخل‌خیز، آن را در جهت قبله می‌کارند (میراسکندری و طاهری، ۱۳۸۸: ۶۰). افزون بر موارد فوق در برخی از مناطق مانند خور خاصیت درمانی نیز برای نخل قائل شده‌اند؛ از جمله برای رفع دندان درد بر روی کاغذ، نوشته‌هایی می‌نویسند و آن را با شش میخ کوچک به شاخه درخت نخل نصب می‌کنند (قربانی جویباری، ۱۳۹۸: ۱۶۸).

نخل‌گردانی یکی از آیین‌های مرسوم در ماه محرم به‌شمار می‌آید. در فرهنگ آیینی ایران نخل، تابوت‌واره ای مشبک و چوبی شبیه کجاوه است. یک طرف آن را آینه بندان می‌کنند که به طور ضمنی بر قلب پاک امام حسین (ع) دلالت دارد و سمت دیگر

آن با نقش مایه سرو که نمادی از پایداری، شکیبایی و آزادگی است، آذین‌بندی می‌شود. نخل را به دلیل کاربردش در مراسم عزاداری نخل ماتم، نخل عزا، نخل عاشورا هم می‌گویند. نقل است که در گذشته آن را از چوب و برگ درخت خرما می‌ساختند، (تصویر ۳ و ۴). در مراسم نخل‌گردانی برخی اعتقاد دارند، عبور زنان نازا از زیر نخل حاجت آنان را برای فرزندآوری برآورده می‌کند. همچنین عبور دادن کودک بیمار از بالای نخل نیز موجب شفای او می‌شود. در شب‌های تاسوعا و عاشورا زنان برای برآورده شدن حاجات خود تا صبح در کنار نخل چراغ نفتی روشن می‌کنند. بخشی از اعتقادات و باورهای مردم در ارتباط با نذرهایی است که برای نخل در قالب تزئین آن با انواع پارچه‌های قیمتی و زیورهای نقره‌ای ادا می‌شود و یا به شکل خوردنی و نوشیدنی در پای نخل به عزاداران داده می‌شود (جمشیدی گوهرریزی، ۱۳۸۹: ۶۸).



تصاویر ۳ و ۴. آیین نخل گردانی، منبع: <https://maybodkhabar.ir>

اعتقاد به پیوند زندگی انسان و درخت باوری عمیق در میان مردم است که به صورت مختلف در آیین‌ها و مراسم نمود یافته‌است؛ از این رو قطع کردن برخی از درختان بدیمن تلقی می‌شود و اگر چنین خطایی از شخصی سرزند، برای جبران آن باید نهالی بکارد، در غیر این صورت خود یا فردی از خانواده‌اش می‌میرند. براساس چنین باوری بسیاری از اقوام ایرانی به هنگام تولد نوزاد نهالی می‌کارند تا همپای کودک رشد کند و

برای رشد و سرسبزی آن می‌کوشند؛ زیرا معتقدند شادابی و پرمردگی درخت به کودک نیز انتقال می‌یابد. همچنین پس از تولد نوزاد بند فافش را در زیر درختی دفن می‌کنند (باجلان فرخی، ۱۳۹۲: ۲۱۰). جاندارپنداری و جنسیت قائل شدن برای پدیده‌های طبیعی همچون درختان، کوه‌ها و آب‌ها و به تبع آن وصلت آن‌ها با یکدیگر یکی از مضامین رایج در باورهای اقوام کهن است که در قالب انگاره اساطیری درخت-مرد و درخت - زن مشاهده می‌شود. انگاره درخت-مرد در قصه‌های عامیانه هرمزگان به صورت ازدواج دختر با درخت، بارور شدن زن توسط درخت به صورت بارگرفتن وی از طریق برگ گل، دانه و یا خوردن میوه درختی خاص و یا به صورت دخیل بستن به آن مشاهده می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵-۷).

مردم در نگرش جان‌پنداری کهن توانایی‌های بسیاری را به درختان نسبت می‌دهند. نظیر « قدرت درخت در نزول باران، تابش آفتاب، افزایش گله‌ها، باروری زمین و کمک به زنان در بارداری و زایش» (بهار، ۱۳۷۶: ۴۴). یکی از آیین‌هایی که همچنان در نقاط مختلف ایران اجرا می‌شود، آیین باران خواهی و بند آمدن باران (آفتاب شو) است. در اجرای این آیین‌ها مردم تلاش می‌کنند؛ بر طبیعت چیره شوند و آن را به قلمرو اختیار خویش درآورند. این آیین‌ها متناسب با فرهنگ قومی هر منطقه به شیوه‌های مختلف برگزار می‌شود و نحوه اجرای آن‌ها به صورت فردی یا گروهی است. در مناطق کویری ایران آیین‌ورزان مراسم باران خواهی شخصی را انتخاب کرده، به لباسش شاخ و برگ درخت خرما می‌آویزند و چوبی از درخت نخل نیز به دستش می‌دهند. سپس اهالی به دنبال وی حرکت می‌کنند و اشعاری را برای طلب باران می‌خوانند (مشیری، ۱۳۹۲: ۱۲۵)؛ (میرنیا، ۱۳۶۹: ۲۲۲). در ایل قرایی سیرجان لاک‌پشتی را از درخت آویزان می‌کنند تا باران بیاید (فرهادی، ۱۳۷۸: ۶۷). در لرستان برای طلب باران بر روی یک شاخه به عنوان اسب سوار می‌شوند و چوب سواری می‌کنند (باجلان فرخی، ۱۳۹۲: ۳۷۴). در بعضی از مناطق کویری در مراسم باران خواهی از عَلمی که از چوب درختان خشکیده و یا از درخت صنوبر درست شده

استفاده می‌کنند (ذبیح‌نیا عمران و احمدی گوهری، ۱۳۹۷: ۱۲۵). آیین آفتاب‌خواهی به شیوه‌های گوناگون اجرا می‌شود. در مازندران نام چهل کچل را بر روی کاغذی می‌نویسند و آن را به تنه درختی می‌آویزند (انصاری، ۱۳۹۳: ۱۱۸). در روستای اسرم میاندورود از توابع استان مازندران برای بند آمدن باران، جارو را به ستون خانه می‌بستند و با چوب انار آن را تنبیه می‌کردند (نصری اشرفی، ۱۳۹۸: ۲۹) و یا اینکه بر روی ریسمانی چهل گره می‌زنند و آن را بر روی شاخه‌های درخت آویزان می‌کنند (ماسه، ۱۳۵۵: ۳۱۰). گفتنی است، این آیین‌ها به رغم تفاوت در نحوه برگزاری، درون‌مایه یکسانی دارند و منشأ پیدایش آن‌ها به دوران اساطیری باز می‌گردد. اقوام کهن درخت را دارای روانی توانا و حیاتی اسرار آمیز تصور می‌کردند و برای آن ارزشی آیینی و ماورایی قائل بودند و چنین می‌پنداشتند که با متوسل شدن به آن و اجرای چنین مراسمی می‌توانند شاهد تحقق خواسته‌هایشان باشند. در واقع این‌گونه رفتارها، بازتاب عملی انگاره‌هایی بود که بر اساس آن درخت را منزلگاه خدایان، الهگان و پریان می‌انگاشتند و شخصیتی قابل تکریم و مقدس به آن می‌بخشیدند (خادمی کولایی، ۱۳۸۷: ۲۳۴).

در اندیشه کهن ایرانی تک درختان کهنسال و نیز درختانی چون سرو، سدر (کنار)، چنار، انار و هوم مقدس هستند؛ به همین دلیل مردم با توسل جستن و دخیل بستن به آن‌ها حاجت خود را طلب می‌کنند، (تصویر ۵).



تصویر ۵. دخیل بستن به درخت، منبع: <https://www.isna.ir>

در بی‌بی حکیمه کازرون درخت سدري وجود دارد که به بی‌بی‌کنار معروف است، زنان نازا برگ آن را می‌کنند و می‌برند ولی شاخه‌های آن را هرگز قطع نمی‌کنند؛ زیرا معتقدند، اگر کسی شاخه آن را بشکند عمرش کوتاه می‌شود (باستانی پاریزی، ۱۳۹۲: ۵۴۸). مردم جهرم آسیب رساندن به درخت سدر را بدیمن می‌پنداشتند و بر این عقیده بودند که اگر کسی شاخه آن را بشکند، درخت او را نفرین می‌کند، بنابراین هنگامی که ناچار به بریدن درخت سدر بودند، در پای آن گوسفندی را قربانی می‌کردند. در باور مردم فارس و جهرم درخت کُناز افزون بر تأثیر در باروری و زایش به هنگام خطر به عنوان حمایتگر ظاهر می‌شود. این درخت به دلیل ویژگی‌های گوناگونش در آداب و رسوم مردم این ناحیه از تولد، ازدواج و مرگ حضور دارد (تسلیم جهرمی، ۱۴۰۰: ۱۳۵-۱۴۶).

در فرهنگ مردمان کهگیلویه و بویر احمد، درخت بلوط جایگاه ویژه‌ای داشته و به اشکال مختلف در ادبیات شفاهی مردم متجلی شده است. از جمله آیین‌هایی که امروزه نیز همچون گذشته اجرا می‌شود می‌توان به مراسم پل‌برون (گیسوبران)، قربانی، چاله‌گرم‌کنان اشاره کرد. آیین پل‌برون در فقدان همسر انجام می‌شود. در این آیین زنان موهای سر خود را بریده و در زیر درخت بلوط دفن می‌کنند. این آیین نماد مرگ و زندگی برای زنان محسوب می‌شود. در آیین قربانی، حیوانی را در زیر درخت بلوط ذبح می‌کنند تا بدین ترتیب خون آن به نشانه باروری زمین ریخته شود. در آیین چاله‌گرم‌کنان پیش از عید نوروز ضمن بردن سبزه بر سر مزار، آتشی با هشت چوب بلوط درست کرده و با پختن طعامی آن را در بین اهالی توزیع می‌کنند (شریعتی‌راد و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹).

تهدید درخت از باورهای رایجی است که امروزه در بسیاری از مناطق ایران انجام می‌شود. اگر درخت میوه بار ندهد، باغبان همراه چند نفر با اره و داس به پای آن می‌روند و در گفت‌وگوهایشان وانمود می‌کنند که درخت را باید قطع کنند. فردی مانع

می‌شود و قول می‌دهد که درخت در سال آینده ثمر دهد، با این وعده باغبان درخت را رها می‌کند (باجلان فرخی، ۱۳۹۲: ۳۵۰).

به طور کلی جایگاه درخت در فرهنگ عامه را می‌توان در مواردی چون آیین‌ها، مراسم مذهبی، باورها، مراسم سوگواری و اعیاد و جشن‌ها طبقه‌بندی کرد. در این میان، آیین‌ها نقش مهمی در حیات اجتماعی جامعه ایفا می‌کنند. مراسم آیینی احساسات مشترکی است که در موقعیتی خاص و با نگرشی توأم با احترام اجرا می‌شود. بسیاری از آن‌ها با وجود داشتن ساختاری واحد بنابر ویژگی‌های اقلیمی و سنت‌های قومی هر منطقه تفاوت‌هایی در نحوه اجرا دارند. یکی از اهداف عمده آیین‌ها حصول به نتیجه مورد نظر است؛ برخی از آیین‌ها به منظور مطالبه و حاجت‌خواهی نسبت به امری صورت می‌گیرد؛ مانند بهره‌مندی از نیروهای مافوق طبیعی و برخی دیگر برای مهار حوادث احتمالی آینده اجرا می‌شود. در اجرای آیین‌ها افراد شرکت‌کننده از الگوی رفتاری خاصی تبعیت می‌کنند که معمولاً به نمادی کهن و یا باوری اساطیری اشاره دارند. در واقع «آیین شکل عملی و طریق بیان اعتقادات اسطوره‌ای بوده و اسطوره محتوای فکری آیین‌هاست» (واحد دوست، ۱۳۸۹: ۲۳۳). برخی از اسطوره‌ها منشأ مراسم و اعیاد رسمی و برخی دیگر متضمن توجیه آداب و رسوم رایج هستند. بدین ترتیب بخش قابل توجهی از حیات دینی اقوام مختلف در اساطیر آن‌ها تجلی می‌یابد. البته در نحوه تکوین آن‌ها تفاوت فرهنگی، اختلاف اقلیم و طرز معیشت نقش مؤثری دارد. نزد بیشتر اقوام، اعیاد و مراسم سنتی غالباً اساس دینی دارند و جهت اتصال به عالم دیگر صورت می‌پذیرند. مراسم یادآوری مردگان مانند آیین فروردگان نزد مجوسی و جمعه برات نزد مسلمانان ارتباط این مراسم را با دنیای ملائک و حیات اخروی در فرهنگ عامه نشان می‌دهند (همان: ۲۳۴-۲۳۶). مراسم سوگواری مذهبی در شمار گسترده‌ترین آیین‌های مرسوم هستند که به دلیل برخوردارگی از ماهیت معنوی زمینه ساز وفاق مذهبی و همبستگی در میان مردم جامعه هستند. می‌توان گفت، باورها و اعتقادات در بستر مراسم و آیین‌های اجتماعی متجلی می‌شوند و به دلیل کارکرد

مؤثرشان در جنبه‌های گوناگونی از زندگی افراد جامعه حضور دارند. در جدول ۱ به اختصار تجلی درخت در فرهنگ عامیانه ایران آمده‌است.

جدول ۱. بازتاب درخت در فرهنگ عامه ایران، منبع: نگارنده

بازتاب درخت در فرهنگ عامیانه اقوام ایرانی	
نخل‌گردانی در روز عاشورا	مراسم مذهبی
طلب باران، قطع باران، قربانی نخل، چاله گرم کنان	آیین‌ها
دخیل بستن به درخت، تهدید نمایی درخت و گرفتن تضمین ثمردهی آن، باور به کمک در ازدیاد محصول، باروری و تسهیل در امر زایمان	باورها
آداب خاکسپاری، پل برون (گیسوبران)	مراسم سوگواری
چشم عروسی، عید نوروز	اعیاد و جشن‌ها

نتیجه‌گیری

در اندیشه کهن ایرانی درخت به مثابه موجودی ذی روح جایگاه والایی داشته و تکریم و تقدیس می‌شده‌است. حضور دیرین و ناگسستنی درخت در اساطیر ایرانی به شکل‌های گوناگون در فرهنگ عامه تجلی یافته‌است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد، باورها و آیین‌های پیرامون درخت در فرهنگ عامیانه اقوام ایرانی شامل موارد زیر هستند.

باور به کمک در بهبود و ازدیاد محصول، باروری زنان نازا، تسهیل در زایمان، دفع چشم زخم و خواص درمانی، تهدید نمایی درخت و گرفتن تضمین ثمردهی از آن، آیین باران خواهی و قطع باران، نخل‌گردانی، پل برون، چاله‌گرم‌کنان و قربانی نخل. به نظر می‌رسد، ویژگی‌های ذاتی درخت و ارتباط آن با مفاهیمی چون آفرینش، تجدید حیات، باروری و رستاخیز نقش مؤثری در حضور فراگیر آن در فرهنگ عامه داشته،

به طوری که در بسیاری از باورهای مردمی درخت در جنبه‌های مختلفی از زندگی آنان از تولد، مراحل رشد تا مرگ تجلی یافته‌است.

آیین‌ها یکی از نمودهای فرهنگ عامه هستند که به صورت فردی و یا جمعی در قالب اعمال و رفتارهای نظام‌یافته ظهور می‌یابند. هر یک از آن رفتارها بر اساس باورهای اعتقادی صورت می‌گیرد. ریشه بسیاری از آیین‌ها به اساطیر کهن باز می‌گردد؛ به همین سبب با بهره‌گیری از زبان تمثیلی و اعمال نمادین اجرا می‌شوند. این مراسم افزون بر کارکرد روانی از نظر اجتماعی نیز حائز اهمیت می‌باشند؛ زیرا موجب همبستگی، تحکیم روابط اجتماعی و نیز تقویت روح جمعی در میان آحاد مردم می‌شوند. آیین‌هایی که در پژوهش حاضر بدان‌ها پرداخته شد، نمایانگر پیوند انسان، درخت و جهان‌بینی اساطیری هستند که به واسطه دارا بودن سرشت رازگونه درخت در همه سطوح فرهنگی و اجتماعی و به طور کلی حوزه‌های حیات انسان حضور یافته‌اند.

منابع

- اسماعیل پور، ابولقاسم (۱۳۷۷). *اسطوره بیان نمادین*، تهران: سروش.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۰). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران: چشمه.
- افضل طوسی، عفت السادات (۱۳۹۳). *طبیعت در هنر ایران باستان*، تهران: مرکب سپید.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۹). *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۸). *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت.
- انصاری، زهرا؛ جمالی، عاطفه؛ زارعی، بدریه (۱۳۹۳). «بررسی و طبقه‌بندی انگره اساطیری درخت-مرد در قصه‌های عامیانه هرمزگان»، *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی*، سال ۱۰، شماره ۳۶، صص ۶۵-۳۵.
- انصاری، مصطفی (۱۳۹۳). *فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران*، ساری: شفلین.
- باجلان فرخی، محمد حسین (۱۳۹۲). *اسطوره و آیین*، تهران: افکار.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۲). *نخاتون هفت قلعه*، تهران: علم.
- بروس، ژاک (۱۳۶۷). «درخت مقدس»، *مجله پیام یونسکو*، شماره ۲۲۴، صص ۴-۹.

- بلوکباشی، علی (۱۳۵۸). فرهنگ عامه، تهران: سازمان نشر کتاب‌های درسی.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*، تهران: چشمه.
- پورخالقی چترودی، مه‌دخت. (۱۳۸۰). «درخت زندگی و ارزش فرهنگی نمادین آن در باورها»، *فصلنامه مطالعات ایرانی*، شماره ۱، صص ۸۹-۱۲۶.
- تسلیم جهرمی، فاطمه (۱۴۰۰). «تحلیل جایگاه درخت کنار در فرهنگ، ادبیات و باورهای عامیانه فارس با تکیه بر شهرستان جهرم»، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۱۱، پیاپی ۲۲، صص ۱۲۳-۱۴۸.
- جمشیدی گوهرریزی، مهدیه (۱۳۸۹). «نخل و نخل‌گردانی در استان یزد»، *نشریه معرفت*، سال نوزدهم، شماره ۱۵۱، صص ۷۰-۵۷.
- خادمی کولایی، مهدی (۱۳۸۷). «نمادپردازی نباتی از منظر نقد اسطوره‌ای در شعر فارسی»، *نقد ادبی*، سال اول، شماره ۱، صص ۲۲۵-۲۴۶.
- دادور، ابوالقاسم؛ پویان، نگار (۱۳۸۶). «عناصر اسطوره‌ای در منظومه درخت آسوری»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۳۲، صص ۱۱۸-۱۰۹.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۷۶). *رمزهای زنده جان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه؛ احمدی گوهری، فخرالسادات (۱۳۹۷). «سیر تطوّر مراسم باران خواهی در منطقه دشت خاک زرنده»، *فصلنامه مطالعات ایرانی*، شماره ۳۳، صص ۱۳۱-۱۱۵.
- رضی، هاشم. (۱۳۷۱). *آیین مهر (میترایسم)*، تهران: بهجت.
- شریعتی راد، محمدرضا؛ شریفی، غلامحسین؛ طغیانی، اسحاق (۱۳۹۸). «تحلیل بازتاب بن‌مایه‌های گیاهی در آیین‌های مردمان کهگیلویه و بویراحمد»، *دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال هفتم شماره ۲۹، صص ۹۲-۶۹.
- صمدی، مهرانگیز (۱۳۶۱). *ماه در ایران تا ظهور اسلام*، تهران: علمی و فرهنگی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۰). «فرهنگ عامه و ادبیات فارسی»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۴۰ و ۳۹.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۸). *موزه‌های بازیافته*، کرمان: نشر مرکز کرمان‌شناسی.
- قاسم‌پورمقدم، حسین؛ سعیدی، سهراب (۱۳۹۸). «تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه‌ی مردم میناب»، *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۱۲۶-۱۰۵.

- قربانی جویباری، کلثوم (۱۳۹۸). «قربانی نخل، آیینی بازمانده از آیین‌های دوموزی»، *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۲۰۵-۱۸۱.
- کرتیس، وستا (۱۳۸۳). *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- کوپر، جی. سی (۱۴۰۰). *فرهنگ نمادهای آیینی*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: علمی.
- کوک، راجر (۱۳۸۷) *درخت زندگی*، ترجمه سوسن سلیم‌زاده و هلینا قائمی، تهران: جیحون.
- ماسه، هانری (۱۳۵۵). *معتقدات و آداب ایرانی*، ج ۱، ترجمه مهدی روشن ضمیر، تهران: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۷) *ادبیات عامه ایران (مجموعه مقالات در باره افسانه‌ها و آداب و رسوم ایران)*، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه.
- مشیری، ژیلا (۱۳۹۲) «مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران»، *مجله انسان‌شناسی*، سال یازدهم، شماره ۱۹، صص ۱۳۸-۱۱۸.
- میراسکندری، فریبا؛ طاهری، مرضیه (۱۳۸۸) «تحلیل مردم شناختی نخل خرما در فرهنگ مردم خور و بیابانک»، *مجله فرهنگ مردم ایران*، شماره ۱۶، صص ۷۳-۵۳.
- میرنیا، سیدعلی (۱۳۶۹) *فرهنگ مردم (فولکلور ایران)*، تهران: نشرپارسا.
- نصری اشرفی، جهانگیر (۱۳۸۹) *دانشنامه‌ی تبرستان و مازندران*، ج ۴، تهران: نشرنی.
- واحد دوست، مهوش (۱۳۸۹). *رویکردهای عملی به اسطوره‌شناسی*، تهران: سروش.
- هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- هدایت، صادق (۱۳۸۴). *نوشته‌های پراکنده*، تهران: چشمه.
- هرودوت (۱۳۶۲). *ترجمه به انگلیسی جرج راولین سن*، تلخیص ا. ج. اوانس. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵) *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، تهران: سروش.

<https://www.tabnak.ir>

<https://maybodkhabar.ir>

<https://www.isna.ir>